

Rhetorical and Syntactical Stylistics of surah Hijr

(Received: 2022-06-13 Accepted: 2022-08-22)

javad ranjbar¹

esmaeil naderi²

fereshteh mokarizadeh³

Abstract

Stylistics is one of the methods of analyzing and interpreting literary texts based on linguistic elements which have a special place among the researches in the field of linguistics. Surah Hijr is one of the Meccan surahs of the Quran, which has valuable points in terms of rhetoric and syntax. The rhetorical and syntactical style of this surah can reveal the beauties and subtleties of the holy Quran to audience that can be considered from its foundation of revelation. The present research has analyzed and explained the rhetorical and syntactical features of surah Hijr with a descriptive analytical method, by using new stylistic criteria has tried to examine layers of beauty of this surah from the perspective of rhetorical and syntactical style such as "presentation and delay", "elimination and contradiction and confrontation" and etc. The result of the research show that in this surah embodiment of styles in a precise and tangible way while the words are concise has helped conveying the meaning accurately and effectively and emphasis, exaggeration, bowing and honoring, etc. in the Quran has reached its peak of eloquence. In the direction of imaging and drawing the intended message based on the concepts of the verses has been manifested in an artistically and beautiful way. It has also been determined that presentation and delay styles, elimination styles and contradiction and confrontation styles in the service of expressing meaning and shaping the knowledge system intended by almighty God, have more frequency than other linguistic elements.

Key words: Holy Quran, stylistics, surah Hijr, rhetorical level, syntactical level.

1) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran (The Corresponding Author) Email: j.ranjbar@pnu.ac.ir

2) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran Email: enaderi54@gmail.com

3) Master's degree in Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran Email: fmz.93.fmz@gmail.com





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۲۹۶-۳۱۳

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.10.2

سبک‌شناسی بلاغی و نحوی سوره مبارکه حجر

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱)

جواد رنجبر^۱
اسماعیل نادری^۲
فرشته مکاری زاده^۳

چکیده

سبک‌شناسی یکی از شیوه‌های تحلیل و تفسیر متون ادبی بر پایه عناصر زبانی است که در میان پژوهش‌های حوزه زبان‌شناسی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. سوره حجر یکی از سور مکی قرآن است که از جهت بلاغی و نحوی، واجد نکات شایسته توجه بسیار است، چنانکه سبک‌شناسی بلاغی و نحوی این سوره می‌تواند زیبایی‌ها و ظرافت‌های قابل تأملی از این چشمه فیاض وحی را برای مخاطبان مشخص سازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از معیارهای سبک‌شناسی جدید به تحلیل و تبیین ویژگی‌های بلاغی و نحوی سوره حجر پرداخته و کوشیده است لایه‌هایی از زیبایی این سوره را از منظر اسالیب بلاغی و نحوی مثل: «تقدیم و تأخیر»، «حذف» و «تضاد و مقابله» و ... مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از تحقیق، بیانگر آن است که در این سوره اسالیب به نحوی دقیق و ملموس، ضمن ایجاز کلام، به انتقال دقیق و مؤثر معنای یاری رسانده و اغراضی همچون تأکید، مبالغه، تعظیم و تکریم و ... در جهت تصویرآفرینی و ترسیم پیام‌های مورد نظر براساس مفاهیم آیات، به شکلی هنری و زیبا تجلی یافته است. همچنین مشخص گردید که اسلوب تقدیم و تأخیر، اسلوب حذف و اسلوب تضاد و مقابله در خدمت ایفاد معنی و شکل‌دهی به منظومه معرفتی مدّ نظر خداوند متعال، نسبت به دیگر عناصر زبانی از بسآمد بیشتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سبک‌شناسی، سوره حجر، سطح بلاغی، سطح نحوی.

(۱) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)، ایمیل: j.ranjbar@pnu.ac.ir

(۲) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ایمیل: enaderi54@gmail.com

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی ازشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ایمیل: fmz.93.fmz@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

مطالعات سبک‌شناسی یکی از پدیده‌های نوظهور ادبی و در حقیقت رشته‌ای بین زبان‌شناسی و ادبیات است که به عنوان رهیافتی تحلیلی در ساختارشناسی متون ادبی مورد توجه ادیبان و ناقدان قرار گرفته و در دهه‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی از منظر این رویکرد نقدی انجام پذیرفته است. یکی از پربسامدترین شیوه‌های رایج و متداول در این حوزه که مورد واکاوی پژوهشگران قرار گرفته، تحلیل متن بر اساس سه سطح یا دیدگاه زبانی، ادبی و فکری است تا آنان با استفاده از این سطوح به تحلیل سبک‌شناسانه متون مختلف و کشف روابط و زیبایی درون متن و سپس شناخت اندیشه و گفتمان ادبی وی نایل شوند. بنابراین پژوهشگران بیشتر در پرتو این سه سطح رایج، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سبکی متون مختلف را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهند. این جستار نیز بر اساس سطح زبانی و در پرتو دو لایه بلاغی و نحوی به تحلیل سوره حجر پرداخته است.

قرآن کریم متنی است که از جهت ادبی و بلاغی نیز همواره مدنظر صاحب‌نظران و زبان‌شناسان قرار گرفته است؛ این افراد بدون آنکه بخواهند در جنبه‌های معرفتی و معنایی قرآن ورود کنند، متن قرآن را به عنوان اثری ادبی مورد بررسی قرار می‌دهند و می‌کوشند با تأمل در جلوه‌های ادبی قرآن کریم راز بلاغت شگرف و سبک خاص ادبی آن را درک نمایند.

امروزه آنچه که در مباحث و رویکردهای قرآنی در حوزه زبان‌شناسی و ادبیات مشهود است، پرداختن به قرآن به منزله اثری ادبی است که در مناسبتی تام و تمام با اعجاز زبانی قرآن کریم قرار دارد؛ پیشینه چنین رهیافتی در فرهنگ مسیحی نیز ریشه دارد چنانکه از اواخر قرن نوزدهم، آثاری در زمینه مطالعه ادبی کتاب مقدس پدید آمد و پژوهشگرانی همچون «رابرت آلتر»^۱ و «فرانک کرمود»^۲ کارآمدی رویکردهای ادبی نسبت به متون مذهبی را مورد تأکید قرار داده‌اند. بر این اساس ضرورت و اهمیت نگاه ادبی به قرآن کریم بیش از پیش مشخص می‌شود؛ ویژگی‌های زبانی منحصر به فرد قرآن کریم اساس ساختارهای قرآنی را تشکیل می‌دهند و از همین جهت می‌توان با رویکردهای سبک‌شناسی و معناشناسی، ساختارهای مختلف بیانی این کتاب الهی را تحلیل و تفسیر کرد؛ موضوعی که تأکید دوباره‌ای بر غنای واژگانی و محتوایی قرآن کریم است.

با توجه به اینکه شناخت ویژگی‌های سبکی هر متن، در میزان شناخت دلالت‌های معنایی آن تأثیر شگرفی دارد، مهم‌ترین هدف این پژوهش، شناخت مؤلفه‌های بلاغی و نحوی و

(۱) (Robert Alter) منتقد آمریکایی؛ وی نویسنده آثاری در سنجش ادبی کتاب مقدس است، از جمله «راهنمای ادبی کتاب مقدس» و «هنر روایت انجیل».

(۲) (Frank Kermod) (۱۹۱۹-۲۰۱۰م) منتقد سرشناس انگلیسی، استاد رشته ادبیات مدرن و انجیل‌شناس؛ معروف‌ترین اثر او «حسن یک پایان: مطالعاتی در نظریه داستان» (۱۹۶۷م) در بیان رابطه میان داستان و بحران، شهرت جهانی دارد.

تبیین زیبایی‌های سوره مبارکه حجر از رهگذر مطالعات سبک‌شناسی است. بر این اساس در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از سبک‌شناسی ساختارگرا در دو لایه بلاغی و نحوی، سوره مبارکه حجر مورد تحلیل و بررسی سبک‌شناسانه قرار گرفته و ظرافت‌های بلاغی و نحوی آیات این سوره براساس معیارهای سبک‌شناسی جدید مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت تا از این رهگذر، گوشه‌ای از جنبه‌های اعجاز این کتاب سترگ را فرا روی رهپویان و علاقمندان معارف قرآنی قرار دهد.

برهمن اساس این پژوهش درصدد است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- سبک و ساختار بیانی آیات این سوره تا چه اندازه با مفاهیم آیات منطبق است؟
- ۲- شاخص‌ها و ویژگی‌های نحوی و بلاغی در سوره مبارکه حجر کدام است و تأثیر و بسآمد آن‌ها در انتقال معنی چگونه است؟

۱.۱. پیشینه و سوابق پژوهش

با بررسی‌های مفصلی که نگارندگان این جستار در پایگاه‌های مختلف استنادی تحقیقات علمی انجام داده‌اند، مشخصاً مقاله یا کتابی که سوره حجر را از جهت سبک‌شناسی بلاغی و ترکیبی مورد بررسی و تحلیل قرار داده باشد، یافت نشد؛ البته در این میان برخی از پژوهشگران، کوشیده‌اند با تمرکز بر جلوه‌های ادبی سوره حجر، این سوره را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند:

- رساله لیسانس «زروقی نصیره» که با عنوان «التوکید فی سوره الحجر» در دانشگاه البویره الجزایر در سال ۲۱۴ میلادی دفاع شده است؛ وی در این تحقیق کوشیده است از منظر نحوی و بلاغی، انواع تأکید، ادوات و احکام آن را در سوره حجر مشخص سازد. نتایج تحقیق وی بیانگر آن است که در سوره مذکور انواع تأکید معنوی و تأکید لفظی، به کار رفته است؛ در مجموع، وی ۱۱ مورد از تأکیدات سوره مذکور را تحلیل و دسته‌بندی کرده است.

- رساله فوق لیسانس «مهمزکی علی موسی» که با عنوان «دراسه اسلوبیه فی سوره الحجر» در دانشگاه اردن در سال ۲۰۱۰م دفاع شده است؛ وی در این رساله با رویکردی آماری به استخراج انواع فنون بیانی و بلاغی در سوره حجر پرداخته است و تفاوت این پژوهش با اثر فوق‌الذکر در این است که این مقاله صرفاً با نگاه سبک‌شناختی به تحلیل موضوع پرداخته است حال آنکه رویکرد پایان‌نامه نگاه کلی‌نگر و آماری بوده است.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «عبدالله بن صالح الفراج» که با عنوان «بلاغه أسالیب الإنشاء فی سوره الحجر» در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود در عربستان سعودی در سال ۱۴۳۷ق دفاع شده است. وی در این تحقیق انواع اسلوب انشاء طلبی و غیر طلبی را در سوره حجر مورد بررسی و تحلیل قرار داده است؛ نتایج پژوهش او حاکی بر آن است که در سوره

الحجر از انواع انشاء طلبی ۱۸ مورد امر، ۷ مورد نهی، ۶ مورد استفهام، ۴ مورد ندا و ۱ مورد تمنی به کار رفته است؛ همچنین از انواع انشاء غیر طلبی ۳ مورد قسم صریح و ۷ مورد قسم مقدر و ۱ مورد تعجب به کار رفته است. همچنانکه ملاحظه می‌شود این پایان‌نامه نیز رویکردی آماری به تحلیل موضوع داشته است که این نوع پژوهش نمی‌تواند به نحو مطلوبی بیانگر اسرار و زوایای درونی متون باشد.

با این حال نگارندگان اذعان دارند که در نگارش این مقاله به فراخور موضوع و با حفظ امانت علمی، از برخی از این پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه بهره برده‌اند.

۲. مفهوم سبک‌شناسی قرآن کریم

قرآن به زبان عربی بسیار شیوایی که مایه اعجاب فصحای عرب و بعدها تمام اقوام دیگر گردیده و در تاریخ زبان عربی سابقه و همانندی نداشته، در طی مدت بیست‌وسه سال یعنی سراسر زمانی که حضرت رسول (ص) به وظیفه رسالت و ابلاغ پیام الهی و دعوت به اسلام اشتغال داشته‌اند، به صورت بخش‌بخش بر ایشان وحی شده است. (خرم‌شاهی، ۱۳۸۹: ۵۰/۲)

در شکل‌گیری بلاغت اسلامی تمام مباحث زیبایی‌شناسی کلام در یک نقطه مشترک بوده‌اند و آن شیوه برخورد با بلاغت و اعجاز قرآن و چگونگی درک و دریافت و تحلیل و تبیین آن بوده است؛ همه این مباحث در آغاز تنها حول چند محور مطرح می‌شدند که این عنوان‌های مشترک بیشتر اشتراکات لفظی بود تا اشتراک معنوی. از مهم‌ترین عناوین مشترک در آغاز زیبایی‌شناسی قرآن، می‌توان به آثاری تحت نام‌های کلی «نظم القرآن»، «معانی القرآن»، «اعجاز القرآن»، «غریب القرآن» و ... اشاره کرد.

در تاریخ اسلام «توجه قرآن‌پژوهان به اعجاز لفظی و ادبی قرآن موجب شد بسیاری از پژوهش‌های قرآنی در زمینه نظم و بلاغت ادبی قرآن تألیف شود و بیش از پیش بر جنبه‌های اعجاز‌گونه و فرابشری صورت و محتوای قرآن تأکید شود.» (خلف‌مراد، ۱۳۸۵: ۶۲)

امین الخولی (۱۸۹۵-۱۹۶۶م) -استاد دانشگاه الأزهر مصر- معتقد است که رویکرد ادبی به قرآن تنها رویکردی است که می‌تواند تقلیدناپذیری با اعجاز زبانی قرآن را تبیین کند؛ او از قرآن به عنوان «بزرگ‌ترین کتاب عربی و برترین اثر ادب عرب یاد می‌کند و این کتاب را عامل جاودانگی زبان و ادبیات عرب می‌داند.» (میر، ۱۳۹۰: ۱۷) و (الخولی، ۱۹۶۱: ۳۶۷/۵) به گفته او: «قرآن مقدس‌ترین کتاب هنری عرب است؛ خواه بدان از منظر دینی بنگریم و یا صرفاً آن را یک اثر ادبی بشماریم؛ در هر حال پژوهش ادبی قرآن، باید هدف اصلی و نهایی برای ما و همه ملت‌های مسلمان به حساب آید؛ هرکس می‌تواند با هر مقصد و نیتی به سراغ این کتاب برود و آنچه را می‌طلبد از آن برگیرد.» (همان: ۳۶۹) طبیعی است که هر واژه قرآنی با موقعیت سازگار باشد، چون نظم اعجاز‌آفرین آن دربردارنده واژگانی است که در جایگاه

خود تناسب و سازگاری دارد و چنان نیست که بتوان از آن بی‌نیاز شد. از حیث موضوع نیز دارای حجم مشخص است و نه زیادت در آن است و نه نقصان؛ نه ایجاز جای اطناب را می‌گیرد و نه اطناب جای ایجاز را؛ چون اندیشه محدود کننده سبک است. (یاسوف، ۱۳۸۸: ۳۰۳) درک رموز و دلالت‌های قرآن کریم تنها محدود به ادبا نیست چنانکه محدود به دوره خاصی هم نیست. اعجاز قرآنی تحدی برای هر دوره‌ای است و هر چه هنرها و پژوهش‌ها پیشرفت نمایند، کلیدی است برای خوانش تازه هنری برای بسط و تبیین نشانه‌ها و آثار جدید در زیبایی قرآن. (همان: ۳۵۲ و ۳۵۳) نظم و تألیف آیات قرآن کریم و روشی که قرآن در بیان مطالب خود به کار برده است با تمام کتاب‌هایی که به دست بشر تألیف و تصنیف شده فرق اساسی و جوهری دارد. قرآن کریم مطالب مختلف را از قبیل اعتقادات و اجتماعیات و عبادات و سیاسات و اقتصادیات و مانند آن‌ها به صورت متنوع و پراکنده و در مقاطع مختلف بیان کرده و در واقع آیات قرآنی مانند سفره‌ای گسترده است که در آن انواع خوراک‌ها را می‌توان دید. از یک سو قرآن مطالب بسیار متنوع و گوناگونی را عنوان می‌کند و از سوی دیگر آن مطالب را یکجا جمع نمی‌کند؛ بلکه به طور پراکنده و متناسب با هدفی خاص که در آیه دنبال می‌کند، می‌آورد و حتی داستان‌هایی که از امت‌های گذشته و انبیاء پیشین نقل کرده نوعاً در لابلای سوره‌های مختلف پراکنده است و هر قسمتی از داستان که با هدف خاص آیه‌ای تناسب داشته باشد، آورده می‌شود؛ گاهی حتی یک قسمت از یک داستان در چندین موضع تکرار شده است. (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۷۴) در روش قرآن آنچه مهم است تناسب مطلب با هدف تربیتی خاصی است که آیه برای آن آمده است تکرار و تقطیع یک مطلب یا داستان نیز برای همین موضوع است. همچنین یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته قرآن که می‌تواند یکی از وجوه اعجاز آن باشد اتقان و استحکام و استواری و قاطعیت این کتاب آسمانی است. (همان: ۴۹)

بیان قرآنی تناسب و پیوندش را با ارتباط میان مخاطب و متن با پیوندهای استواری اثبات نمود. این تناسب در استمرار ارتباط آدمی با واقعیت نهفته است؛ یعنی واقعیت روانی در قدرت بر تحریک وی در طی روزگاران. لذا مؤلفه‌های اساسی در رفتار بشری آشکار می‌گردد و خطاب آفریدگار با بنده رخ می‌دهد. (یاسوف، ۱۳۸۸: ۳۷)

۳. شناختی از سوره مبارکه حجر

سوره مبارکه حجر یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که در جزء چهارهم و بعد از سوره ابراهیم و قبل از سوره نمل واقع شده است؛ این سوره دارای ۹۹ آیه غالباً کوتاه است. تقریباً همه مفسران معتقدند تمام آیات آن مکی است؛ بر این موضوع سخن ابن عباس و ابن زبیر را شاهد می‌آورند: «نزلت سُورَةُ الْحَجَرِ بِمَكَّةَ» (السیوطی، ۱۴۰۴: ۶۱/۵) درباره نزول آن سخنان مختلفی گفته شده است که مشهورترین قول آن است که سوره حجر پنجاه و

چهارمین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده است. (معرفت، ۱۳۷۱: ۱۶۶/۲)

نام این سوره به اصحاب حجر یا مردمان سرکش ثمود که قوم حضرت صالح (ع) بودند اشاره دارد. آن‌ها مردمانی مرفّه و بسیار ثروتمند بودند که علیه خدا و پیامبرانش سرکشی کردند: ﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجَرِ الْمُرْسَلِينَ﴾ (حجر/۸۰) و در نهایت نیز به عذاب دچار شدند: ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ، فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (حجر/۸۳ و ۸۴) در میان مفسّران، اقوال مختلفی درباره موقعیت جغرافیایی این سرزمین وجود دارد، اما قول مشهور آن است که حجر شهری بود در مسیر کاروان مدینه و شام و در یک منزلی وادی القری که امروز اثری از آن برجای نمانده است. (الشاربی، ۱۴۱۲ق: ۲۱۵۱/۴) هرچند برخی از پژوهشگران معاصر بقایای سنگ‌نگاره‌ها و مکان‌هایی را در ناحیه «مدین صالح» (حجرا) در استان حجاز در ۴۰ کیلومتری شمال شهر «العلا» و جنوب «دومه جندل» با محل قوم ثمود منطبق می‌دانند. (روح‌انگیز، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۸۰)

چنانکه مفسّران گفته‌اند قوم ثمود نه تنها پیامبری حضرت صالح را رد کردند؛ بلکه اساساً توحید و رسالت انبیاء و هرگونه مظاهر الهی را در هر زمان و مکانی نفی می‌نمودند. (شرف‌الدین، ۱۴۲۰: ۲۷۱/۴) نکته مهم آن است که در سنت تاریخی اسلام، به گفته «خلیل بن احمد فراهیدی» (متوفی ۱۷۵ق): «هر قومی را به پیامبرش نسبت می‌دادند و به او منسوب می‌ساختند و به آنها امت می‌گفتند.» (الفراهیدی، ۱۹۸۴: ۴۲۸/۸) حال آنکه قوم حضرت صالح را به وی منسوب نساخته‌اند بلکه به «الحجر» نسبت داده‌اند. (الفراج، ۱۴۳۷: ۹)

مقصود کلی این سوره، انذار تکذیب‌کنندگان خدا و رسول الله است با بیان عاقبت سخت و دردناک قوم ثمود، که از این سرنوشت درس بگیرند؛ و نیز اثبات موقعیت رسول خدا و مؤمنانی است که به وی ایمان آورده‌اند. همچنین محتوای سوره، آرامشی از سوی خداست بر قلب رسول‌الله که از تکذیب مشرکان، اندوهناک نباشد، زیرا با پیامبران پیش از او نیز چنین رفتاری از سوی کافران شده است. (ابن عاشور التونسی، ۱۹۸۴: ۷/۱۴) سپس به سراغ قوم لوط می‌رود و ضمن اشاره‌ای گویا و فشرده به کفر و انحراف اخلاقی آن‌ها، به قسمتی از عذاب دردناکشان اشاره می‌کند و سوره را با دعوت از پیامبر به مقاومت و دلداری او در برابر توطئه‌های شدید مخالفان به پایان رسانیده است. بنابراین به طور مختصر پاره‌ای از مضامین این سوره عبارتند از:

- توجه به مبدأ آفرینش و ایمان به خدا از طریق مطالعه در اسرار آفرینش؛
- اهمیت قرآن و عظمت این کتاب آسمانی؛
- داستان آفرینش آدم و سرکشی ابلیس و سرانجام کار او، به عنوان یک هشدار و بیدار باش برای همه انسان‌ها؛
- اشاره به سرگذشت اقوامی همچون قوم لوط و صالح و شعیب، برای تکمیل این هشدار؛

- انذار و بشارت و اندرزهای مؤثر و تهدیدهای کوبنده و تشویق‌های جالب؛
 - دعوت از پیامبر به مقاومت و دلداری او در برابر توطئه‌های شدید مخالفان.

برخی از محققان، میان محتوا و اغراض سوره حجر و سوره اعراف، مشابهت قائل شده‌اند چنانکه هر دو سوره، با انذار به کافران و مشرکان آغاز می‌گردد و سیاق کلی آن‌ها نیز تحذیر مشرکان و بیان عاقبت کفر و عصیان است. (شرف‌الدین، ۱۴۲۰: ۲۶۵/۴) همچنین سوره حجر را مقدمه‌ای بنیادین برای چهار سوره بعد از آن (نحل، اسراء، کهف و مریم) دانسته‌اند که در مورد انگیزه‌های کلی دعوت اسلامی سخن می‌گوید و مخاطبان را به نشانه‌های الهی اعم از آسمان و بروج، و زمین، کوه‌ها، گیاهان، بادها، آب، زندگی، مرگ و داستان اقوام گذشته، توجه می‌دهد. (همان: ۲۶۵ و ۲۶۶)

۴. تحلیل سبک‌شناسانه بلاغی و نحوی سوره حجر

اینک برخی از مؤلفه‌های سبکی سوره مبارکه حجر در دو سطح بلاغی و نحوی مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد و با توجه به ارتباط معنادار بلاغت و نحو در پژوهش‌های زبانی و ساختاری، در این جستار نیز سطح بلاغی و نحوی به صورت تلفیقی تحلیل و تبیین گردیده است. زیرا دانشمندان در خصوص ارتباط بلاغت و نحو بر این باورند که لایه نحوی، تحلیل بی‌روح و خالی از نشانه‌های بلاغی نیست؛ بلکه سطح نحوی، تحلیل روابطی است که میان عناصر و اجزاء مختلف و متنوع یک متن وجود دارد. «از این رو علمای نحو عرب اصرار داشته‌اند که ذکر کارکردهای نحوی اگر اصل تحلیل زبانی نباشد، حداقل بخشی از آن باشد.» (طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۵: ۲۱۲)

۴. ۱. اسلوب تقدیم و تأخیر

اصل در سخن این است که الفاظ از ترتیب نحو تبعیت کنند و وجوب تقدیم و تأخیر الفاظ رعایت گردد؛ این امر به گفته برخی صاحب‌نظران تابع این اصل است که: «ترتیب الفاظ در کلام، تابعی از ترتیب معانی در نفس است و به همین دلیل، کلامی که ادا می‌شود از منظر واژگان و معانی، متناسب است.» (عبّاس، ۱۹۹۷: ۲۰۵) بر این اساس، در نحو عربی قواعدی درباره تنظیم جایگاه الفاظ همچون تقدیم مسندالیه و مسند و متعلقات فعل و دلایل تأخیر آن‌ها تدوین شده است؛ به همین خاطر نیز عبدالقاهر جرجانی، مبحث تقدیم و تأخیر را بابی با فوائد بسیار، دارای گسترده‌گی فراوان، پر بحث و سخن، و دارای ظریف بدیع، می‌داند. (جرجانی، ۲۰۰۱: ۷۶)

در سوره حجر، مواردی از تقدیم و تأخیر دیده می‌شود که اغراض معنوی خاصی را دنبال می‌کنند؛ به برخی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

* به اراده خدا بودن اجل‌ها: خداوند در آیات ۴ و ۵ سوره حجر می‌فرماید: ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا

مِنْ قَرَبَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ، مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿حجر/۵ و ۴﴾ در این تعبیر قرآنی، هلاک ساختن مشرکان مقدم داشته شده است % به مناسبت طلب آن‌ها از پیامبر که ملائکه را بر ایشان نازل سازد: ﴿لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (حجر/۷) در این بیان، اگر این تقدیم صورت نمی‌گرفت مستلزم آن بود که هلاک آن‌ها مقدم بر سرکشی‌شان باشد. بنابراین تقدم «مَا تَسْبِقُ» در آیه بیانگر آن است که مشرکان، اجل خویش را با ادامه نافرمانی و سرکشی، به پیش انداخته‌اند. نظیر این قول، در آیه ۳۲ سوره انفال نیز وارد شده است: ﴿وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (انفال/۳۲)

❖ **استهزاء مشرکان علیه رسول خدا:** در آیه ۶ سوره حجر: ﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ﴾ (حجر/۶) جار و مجرور (علیه) بر نائب فاعل (الذکر) مقدم شده است حال آنکه سیاق نحوی چنین است که گفته شود «نزل الذکر علیه»؛ این تقدیم ناشی از آن است که خداوند متعال می‌خواهد شدت استهزاء مشرکان به پیامبر (ص) را نشان دهد، زیرا آن‌ها تنزیل قرآن را بر پیامبر (علیه) مورد استهزاء قرار می‌دادند و نبوت آن حضرت را انکار می‌نمودند. نظیر همین کاربرد در آیه ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَيَّ رَجُلٌ مِنَ الْفَرِيقَيْنِ عَظِيمٍ﴾ (زخرف/۳۱) نیز وارد شده است که تقدیم جار و مجرور به علت محل اعتراض واقع شدن نزول قرآن بر مردی از قریش از سوی مشرکان است. (علی موسی، ۲۰۱۰: ۱۰۸ و ۱۰۹)

❖ **بیان ایجاز قرآن در پاسخگویی و قوت آن در ردّ بر مخالفان:** در آیات ۶ تا ۸ سوره حجر، مشرکان، نزول ملائکه را از آسمان از نشانه‌های صدق نبوت پیامبر (ص) قلمداد می‌کنند؛ خداوند در آیه ۸ جواب «ما كانوا إذا منظرين» را بر تعلیل جواب «ما ننزل الملائكة إلا بالحق» به تأخیر می‌اندازد و با این شگرد بلاغی می‌خواهد این نکته را به یاد مشرکان بیاورد که نزول ملائکه درباره آن‌ها فقط به جهت نزول عذاب خواهد بود.

❖ **مبالغه:** در آیه ۱۱ سوره حجر ﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (مجرور به) بر «یستهزئون» تقدم یافته است و منظور از آن، بیان مبالغه در این است که کافران، رسولان الهی را بسیار مورد تمسخر قرار می‌دادند چنانکه این امر به سنجیه اخلاقی آنان مبدل شده بود. (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۳/۱۴)

❖ **تعظیم و تکریم:** در آیه ۲۹ سوره حجر ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (تقدیم جار و مجرور (فیه) به جهت نمایش تکریم زیاد خداوند برای حضرت آدم (ع) است و این از خصائص کلام بلیغ است که غرض لفظی و غرض معنوی، توأمان بر بلاغت کلام تأثیر می‌گذارند. (عبّاس، ۱۹۹۷: ۲۱۵)

۲.۴. اسلوب حذف

از جمله ظرائف زبانی موجود در مصحف شریف که علمای بلاغت از آن سخن گفته و مفسران در خلال کتب تفسیری خویش بدان اشاره داشته‌اند، اسلوب «حذف» است. این ویژگی به طور عام در زبان‌های دیگر نیز ملاحظه می‌شود؛ ولی در زبان عربی به دلیل تمایل خاص سخن‌گویان این زبان به ایجاز از جایگاهی برجسته برخوردار است. (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲) حذف در لغت به معنای قطع چیزی از انتها یا کنار است؛ و در اصطلاح به افتادن حرکت، حرف (صوت)، کلمه و جمله اطلاق می‌شود. (ابن جنی، ۱۹۵۷: ۳۶۲/۲) شریف رضی (متوفی ۴۰۶ق) به عنوان یکی از ادبای بزرگ و صاحب سبک ادبیات عربی، اوج بلاغت را در این اسلوب می‌داند؛ همچنانکه ابن اثیر (متوفی ۶۳۷ق) حذف را اسلوبی محسوب می‌کند که فقط افراد خبیر و دانشمندان بلاغت بدان راه می‌یابند: «وهذا النوع من الأسالیب شریف لا يتعلق به إلا فرسان البلاغ، وذلك لعلو منزلته وبعد مناله.» (الرفاعی، ۱۹۸۰: ۲۰۸)

لذا حذف نوعی کاهش واژگانی و از ملاک‌های درون زبانی است، و در بسیاری از موارد از ذکر در افاده معنا بلیغ تر است. فن حذف در کلام عرب، امری معمول و متداول است و به جهت ایجاد با شرایط خاص خود، یکی از بهترین عناصر آرایه‌های بلاغی به شمار می‌آید. عبد القاهر جرجانی در این باره معتقد است: «اگر در جای خاصی بتوان چیزی را حذف نمود، حذف از ذکر آن بهتر و نیکوتر است.» (جرجاجی، ۱۴۰۹: ۱۳۲)

در سوره حجر مواردی از اسلوب حذف دیده می‌شود که تحلیل سبک‌شناسی آن‌ها می‌تواند بخشی از زوایای هنری این سوره را فراروی مخاطبان قرار دهد:

* **تعدی فعل به مفعول به تقدیر مضاف:** در آیه ﴿قَالُوا أَوْلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (حجر/۷۰) مشرکان در خطاب به حضرت لوط (ع) وی را از حمایت و مهمانی مردمان برحذر می‌دارند؛ در این آیه اسلوب حذف با تعدی فعل به مفعول به تقدیر مضاف صورت گرفته است؛ اصل تقدیر چنین است: «أَوْلَمْ نُنْهَكْ يَا لُوطُ عَنْ حِمَايَةِ النَّاسِ» در اینجا تجاوز نهی به ذات عالمین، تعبیری از شدت انکار قوم آن حضرت بر این است که حتی حمایت از یک فرد را نیز مجاز نمی‌دانستند حتی اگر مهمان او باشد. (علی موسی، ۲۰۱۰: ۱۱۲)

* **حذف موصوف و بقاء صفت:** در آیه ۸ سوره حجر ﴿مَا نُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ﴾ (حجر/۸) این اسلوب دیده می‌شود حال آنکه بر اساس اسلوب و ساختار جمله در زبان عربی، در اینجا حق آن است که صفت محذوف گردد. سبب حذف در اینجا تعدد معانی و تنوع دلالات است؛ در آیه شریفه، منظور از نزول ملائکه بالحق یعنی نزول ایشان برای «عذاب» یا «پیغام آوردن» یا «گرفتن ارواح هنگام مرگ» بنا به حکمت یا مصلحت الهی یا بر اساس وحی و اراده‌ای که خداوند مقرر نموده بدون خواست کافران یا

اختیار کسی که به این امر معترض باشد.

*** حذف صفت و بقاء موصوف:** در آیات: ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ، وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۱۹-۲۱) به گفته ابو حیان اندلسی (متوفی ۷۴۵ق) در موصوف «وإن من شيء»، صفتی حذف شده است که شامل هر آن چیزی است که به بندگان سود می‌رساند و خداوند بر ایجاد و تکوین و بخشش آن، تواناست: «وَمَا مِنْ شَيْءٍ يَنْتَفِعُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَّا وَنَحْنُ قَادِرُونَ عَلَىٰ إِيجَادِهِ وَتَكْوِينِهِ وَالْإِنْعَامِ بِهِ.» (اندلسی، ۱۴۲۰: ۶/۴۷۴)

*** حذف فعل و فاعل:** در آیات ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ، ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾ (حجر/۴۵ و ۴۶) در «ادخلوها» نیاز به فعل و ضمیر محسوس است که حذف شده است و طبق قاعده باید گفته می‌شد: «فقبل لهم ادخلوها...» همچنین طبق قاعده باید فاعل نیز مشخص می‌شد چنانکه در تقدیر فاعل «الله» یا «بعض ملائکه» حذف شده است. بلاغت قرآنی در اینجا با این حذف، می‌خواهد مخاطب را به اصل سخن رهنمون سازد و برای او انگیزشی ایجاد کند که قرآن می‌خواهد مردمان را به جنّاتی با آن اوصاف رهنمون سازد و این تصوّر را در ذهنشان شکل بدهد که افرادی از ملائکه رحمت در مقابل درهای بهشت به انتظار ایستاده‌اند و مؤمنان را به داخل فرا می‌خوانند تا آنچه از خیرات و نعمت‌ها در آنجاست، به ایشان عرضه کنند. (علی موسی، ۲۰۱۰: ۱۱۳)

*** نمونه‌ای درخشان از ایجاز به حذف:** در آیات ﴿قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ * إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (حجر/۵۸ و ۵۹) در خلال حکایت حضرت ابراهیم (ع) ملائکه به آن حضرت چنین عبارتی را بیان می‌کنند و این اوج ایجاز است که معنا را به طور کامل نیز انتقال می‌دهد؛ سیاق نحوی عبارت چنین است: «إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ لُوطٍ (ع) لِأَجْلِ إِنْزَالِ الْعَذَابِ بِقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» و این نهایت رسایی و بلاغت کلام و افاده مفهوم بدون اختلال در معنی است.

رتال جامع علوم انسانی

۴. ۳. اسلوب طباق و مقابله

طباق؛ اجتماع دو لفظ متقابل در معنا در یک عبارت است. ممکن است این دو لفظ، اسم یا فعل یا حرف یا یکی از این‌ها باشد. و این تقابل معنایی بر زیبایی و تازگی کلام می‌افزاید. (هاشمی، ۱۳۷۰: ۳۶۶-۳۶۷) و مقابله؛ آوردن دو یا چند لفظ در مقابل دو یا چند لفظ دیگر که از نظر معنایی بایکدیگر متضاد باشند. (همان: ۳۶۷) در حقیقت مقابله، نوعی طباق متراکم است. نمونه این صنعت بلاغی در قرآن آیه شریفه زیر است: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ﴾ (اللیل/۶-۱۱) بنابراین در اصطلاح بدیعیان و لغت‌شناسان، بر صنعتی اطلاق شده است که بر اساس آن، دو کلمه متضاد یا متفاوت را به جهت افرینش بلاغی در یک عبارت می‌آیند.

چون تقابل این دو کلمه، شکل‌های گوناگونی می‌یابد، ناچار تضاد را هم به چندگونه تقسیم کرده‌اند. پیداست که اصل این آرایه، همانا رابطه متضاد میان دو کلمه است، اما لغت‌شناسان بیشتر آن را به «اضداد» (کلمه یگانه‌ای که بر دو معنی متضاد شامل است) منحصر کرده‌اند. (نظری منظم، ۱۳۹۳: ۵۹/۱۵) «مقابله» از انواع اسلوب بدیعی قرآن کریم و آن جایی است که دو یا چند معنای هماهنگ با یکدیگر آورده سپس به ترتیب، معانی مقابل آن‌ها ذکر شود؛ البته برخی مقابله را از انواع طباق شمرده و تفاوت آن دو را در این دانسته‌اند که طباق فقط با اضداد پدید می‌آید ولی مقابله اعم از اضداد و غیر آن است و نیز طباق اغلب بین دو ضد مطرح می‌شود ولی مقابله، میان بیش از دو ضد است. (عبّاس، ۱۹۹۷: ۲۷۵)

در سوره حجر نمونه‌هایی از تضاد و مقابله دیده می‌شود که نشان‌دهنده شگردهای بلاغت قرآنی است؛ اینک به نمونه‌هایی از این اسلوب اشاره می‌شود:

*** تضاد در خدمت تأکید معنی:** نمونه بارز آن در آیه: ﴿مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾ (حجر/۵) آمده است که میان «تسبِقُ» و «یَسْتَأْخِرُونَ» تضاد دیده می‌شود؛ در این آیه و منطبق بر سیاق آیات قبل، خداوند با این رویکرد بلاغی، تأکید می‌کند که عذاب و هلاک کافران، قطعی است و این عذاب در زمان موعود نازل خواهد شد و هیچ تقدّم و تأخیری بر آن عذاب، مترتب نخواهد بود. نظیر همین امر در آیه ﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ﴾ (حجر/۲۳) نیز دیده می‌شود که خداوند با آوردن «نحیی» و «نمیت» تأکید می‌نماید که هیچ قدرتی نیست که بتواند حیات ببخشد یا بمیراند جز خداوند بلندمرتبه. در آیه بعد ﴿وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ﴾ (حجر/۲۴) نیز با بیان تضاد میان «مستقدمین» و «مستأخیرین»، کمال علم الهی را به امت‌های گذشته و حاضر متذکر می‌شود؛ مفسران البته در باب معنای مستقدمین و مستأخیرین اقوال مختلفی آورده‌اند چنانکه ابن عبّاس آن‌ها را مردگان و زندگان معنی کرده است و برخی دیگر از مفسران، مستقدمین را آدم و ذریّه او و مستأخیرین را کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، در نظر گرفته‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷۵/۵)

*** انشاء مقارنه بین نقیضین با هدف تبیین و انذار:** تضاد مقارنه در مواقعی است که گوینده بخواهد در یکی از وجوه، ترغیب و در دیگری تفریق القاء کند؛ از این قبیل در سوره حجر مواردی دیده می‌شود چنانکه در آیه ﴿رُبَّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ (حجر/۲) خداوند میان «الذین کفروا» و «مسلمین» تضاد قائل شده است و هدفش در اینجا نفی کافران و اثبات مسلمانان بوده است. این شیوه بلاغی در سوره حجر به عالی‌ترین شکل به کار رفته است به ویژه آنکه یکی از طرفین تضاد (کافران) نیز خود بر اهمّیت و ترغیب بر طرف دیگر (مسلمین) تأکید دارد. این مقارنه نقیضین در طول آیه به مقابله میان صفات کافران/مشرکان با مسلمانان/مؤمنان می‌انجامد چنانکه می‌توان گفت در بسیاری از آیات سوره حجر، با این شگرد بلاغی، مفهوم مدنظر خداوند از بیان صفات کسانی که کفر می‌ورزند و کسانی که

اسلام می‌آورند، کاملاً مشخص است؛ آیات ۳ و ۱۱ و ۱۳ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۷۸ و ۸۱ و ۹۱ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ در حقیقت، نشان‌دهنده برخی صفات «الذین کفرو» هستند و در مقابل آیات ۴۰ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۷۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۸ و ۹۹ صفات «مسلمین» را تبیین می‌نمایند. (علی موسی، ۲۰۱۰: ۶۷)

۴.۴. اسلوب جمله و وجهیت فعل

سطح نحوی یا سبک‌شناسی جمله، از دیگر سطوح زبانی است که در آن متن از لحاظ ساختار جملات، مورد بررسی قرار می‌گیرد و به مواردی همچون، کوتاه و بلند بودن جملات، نوع جملات از لحاظ فعلیه یا اسمیه بودن، تقدیم و تأخیر، حذف و پرداخته می‌شود. (خلیل، ۲۰۱۴: ۳۲۸)

در واقع از دیدگاه ساختارگرایان، اصلی‌ترین مطالعات زبانی در سطح نحوی مربوط به ساختمان جمله و تحلیل و شناخت آن است.

با بررسی و تحلیل آماری انواع جملات در سوره حجر مشخص شد که جملات فعلیه نسبت به جملات اسمیه، از بسامد بیشتری برخوردارند و این امر بیانگر پویایی و حرکت بالایی است که از نوع افعال به کار رفته در آنها ناشی شده است. خداوند متعال به اقتضای مفاهیم این سوره به فراوانی بر جملات فعلیه تکیه کرده است. زیرا «افعال بخش اساسی جمله را تشکیل می‌دهند و بار اصلی کلام بر عهده داشته و در ساختار کلام از اهمیت زیادی برخوردارند.» (شفایی، ۱۳۷۳: ۷۱) جملات فعلیه، به دلیل ایجاد حرکت ذهنی که محصول حرکت دلالت معنایی میان گذشته، حال و آینده است، و نیز به دلیل امکان و توانایی این وجه فعل در پذیرش حوادث و رخدادهای متناقض و متضاد، تأثیر بیشتری بر روی مخاطب بر جای می‌گذارند. بنابراین در این سوره با توجه به موضوع سوره که همانا دعوت مخاطبان به تأمل و تدبّر در نشانه‌های الهی اعم از آسمان و زمین، کوه‌ها، گیاهان، بادهای، آب، زندگی، مرگ و داستان اقوام گذشته و همچنین دعوت پیامبر (ص) به مقاومت و دلداری او در برابر توطئه‌های شدید مخالفان است، جملات فعلیه که دلالت بر تجدد و حدوث گزاره دارند بیشتر آمده است. لذا با توجه به سیاق آیات، خداوند مفعال تأکید می‌کند که عذاب و هلاک کافران قطعی است.

با بررسی نوع افعال در سوره مبارکه حجر مشخص شد که در این سوره فعل ماضی_که بیانگر قطعیت وقوع امر است_ با حضور بیش از هفتاد مورد از بسامد بالایی برخوردار است و سپس کاربرد فعل مضارع با بیش از چهل مورد در مرتبه بعدی جای دارد.

نتیجه‌گیری

از رهگذر این مقاله که به بررسی سبک‌شناسی بلاغی و نحوی سوره مبارکه حجر پرداخته است، نتایج زیر به دست آمده است.

۱. شناخت ویژگی‌های اسالیب و ترکیبات و جمله‌بندی در زبان عربی، مشخص می‌سازد که این سوره با وجود حجمی نه چندان طولانی، بخش مهمی از آموزه‌های اسلامی را در خود جای داده است؛ محتوای کلی سوره، از یک سو انذاردهنده مشرکان و کافران از عذابی سخت و هولناک است، و از سوی دیگر باعث ایجاد دلگرمی و اطمینان خاطر برای پیامبر (ص) و مؤمنان است.

۲. در سوره حجر شیوه‌های متنوعی از تأکید به کار رفته است؛ تأکیدها مبتنی بر حال مخاطب، شکل گرفته است چنانکه هر جا به تأکید مفرد باشد، به این صورت آمده است و هر گاه نیاز به چندین تأکید باشد، این امر بنا به مقتضای حال مخاطب، بیان شده است. اغلب ادوات استفهام در این سوره «أ»، «من»، «ما» هستند زیرا سیاق کلام، سهولت بهره‌گیری از این ادوات را اقتضا می‌کرده است؛ همچنین استفهام انکاری و انکار توییخی بیشترین معانی استفهامی در این سوره را تشکیل می‌دهند. این امر اقتضای حال مشرکان و کافران معاند و منکران عذاب الهی است و تأثیرگذاری کوبنده و توییخی سوره را گسترش می‌دهد.

۳. در بسیاری از موارد برای رعایت فواصل و مقاطع آیات از اسلوب حذف استفاده شده است که در این میان حذف حرف نسبت به دیگر ارکان کلمه بیشترین موارد را به خود اختصاص داده است و بعد از آن حذف کلمه در جایگاه بعدی قرار دارد.

۴. بلاغت این سوره به ویژه از جهت سبک‌شناسی بلاغی و نحوی، در اوج قرار دارد؛ در اسالیبی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، مشخص گردید که اسلوب تقدیم و تأخیر، اسلوب حذف و اسلوب تضاد و مقابله در خدمت ایفاد معنی و شکل دهی به منظومه معرفتی مدنظر خداوند متعال، از بسامد بیشتری نسبت به دیگر عناصر بلاغی و نحوی برخوردار هستند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه استاد حسین انصاریان.
- ابن جنی الموصلی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۷): «الخصائص»، القاهرة: نشر الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الرابعة.
- ابن عاشور التونسي، محمدطاهر بن محمد (۱۹۸۴): «تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید»، تونس: نشر دار التونسية، الطبعة الاولى.
- الاندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف (۱۴۲۰): «البحر المحيط فی التفسیر»، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: نشر دار الفكر، الطبعة الاولى.
- البقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۰۴): «نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور»، القاهرة: نشر دار الكتب الاسلامی، الطبعة الاولى.
- الجرجانی، ابوبکر عبدالقاهر (۲۰۰۱): «دلائل الإعجاز فی علم المعانی»، تحقیق عبدالحمید هندادی، بیروت: نشر دار الكتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۲): «سیری در علوم قرآن»، تهران: انتشارات أسوخ، چاپ سوم.
- خزمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۹): «قرآن پژوهی»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- الخطیب، عبدالکریم بن محمود (۱۹۷۴): «اعجاز القرآن: الإعجاز فی دراسات السابقین دراسة كاشفة لخصائص البلاغة العربية ومعاييرها»، القاهرة: نشر دار الفكر العربي، الطبعة الاولى.
- خلف مراد، عبدالرحیم (۱۳۸۵): «درآمدی بر معناشناسی قرآن»، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ اول.
- خلیل، محمد ابراهیم (۲۰۱۴م): «مدخل لدراسه الشعر العربي الحديث»، عمان: دار المسیره للنشر والتوزيع والطباعة، الطبعة السادسة.
- الخولی، امین (۱۹۶۱): «مناهج التجديد فی النحو والبلاغة والتفسیر والأدب»، قاهرة: نشر دارالمعرفة.
- الرفاعی، احمد مطلوب (۱۹۸۰): «أسالیب بلاغیة، الفصاحة والبلاغة والمعانی»، كويت: نشر وكالة المطبوعات، الطبعة الاولى.
- روحانگیز، لاله (۱۳۸۵): «بررسی مدارک باستان شناسی مدائن صالح»، فصلنامه بینات، شماره ۵۱، پاییز، صص ۱۶۶-۱۸۰.
- السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق): «الدّر المنثور»، بیروت: نشر دارالفکر، الطبعة الاولى.
- الشاربی، سید قطب (۱۴۱۲): «فی ظلال القرآن»، بیروت: نشر دار الشروق، الطبعة السابعة عشر.
- شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰): «الموسوعة القرآنیة، خصائص السور»، تحقیق عبدالعزيز بن عثمان التویجزی، بیروت: نشر دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة، الطبعة الاولى.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳): «مبانی علمی دستور زبان فارسی»، تهران: انتشارات نوین، چاپ اول.
- شهبازی، اصغر و احمدیان، حمید و شاملی، نصرالله (۱۳۹۴): «کارکردهای بلاغی حذف و اثر آن در ترجمه قرآن کریم»، دوفصلنامه پژوهش های زبان شناختی قرآن، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۶۱-۷۶.
- عباس، فضل حسن (۱۹۹۷): «البلاغة فنونها و افنانها»، دارالفرقان للنشر والتوزيع، عمان: الطبعة الرابعة.
- علی عباس، معمرزکی (۲۰۱۰): «دراسة أسلوبیة فی سورة الحجر»، الرسالة استكمالاً لمتطلبات الحصول علی درجة الماجستير فی اللغة العربية وآدابها، الإشراف ابراهیم خلیل، عمان: كلية الدراسات العليا، الجامعة الأردنية.
- الفزّاج، عبدالله بن صالح (۱۴۳۷): «بلاغة أسالیب الإنشاء فی سورة الحجر»، بحث مکمل لمتطلبات الحصول علی درجة العالمية الماجستير فی البلاغة والنقد ومنهج الأدب الإسلامی، إشراف صالح بن محمد الزهرانی، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة، المملكة العربية السعودية.
- الفراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد (۱۹۸۴): «كتاب العين»، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قاهرة: نشر دار و مكتبة الهلال، الطبعة الاولى.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۱): «آموزش علوم قرآن ترجمه التمهید فی علوم القرآن»، ترجمه ابو محمد

- وکیلی، تهران: انتشارات چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰): «مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی»، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول.
- نصیره، زروق (۲۰۱۴): «التوکید فی سورة الحجر دراسة نحویة»، مذکره لنیل شهادة اللیسانس فی اللغة والأدب العربی، الإشراف رابحی عمر، جامعة أکلی محند أولحاج، الجمهورية الجزائریة.
- نظری مقدم، هادی (۱۳۹۳): «مدخل «تضاد» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، جلد ۱۵، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول.
- الهاشمی، السید أحمد (۱۳۷۰ش): «جواهر البلاغه فی معانی والبیان والبديع»، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة والنشر، الطبعة الأولى.
- یاسوف، احمد (۱۳۸۸): «زیباشناسی واژگان قرآن»، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

- The Holy Quran, translated by Professor Hossein Ansarian.
- Ibn Janni al-Mawsili, Abu al-Fath Othman (1957). Al-Khasaes (Characteristics), 4th edition, Cairo: The Egyptian General Book Organization Press.
- Ibn Ashour al-Tunisi, Mohammad Taher ibn Mohammad (1984). Editing the Right Meaning and Enlightening the New Mind from the Explanation of the Glorious Book, 1st edition, Tunis: Dar al-Tunisia Press.
- Al-Andalusi, Abu Hayyan Muhammad ibn Yusuf (1420 AH). Al-Bahr Al-Mohit fi Tafsir, investigated by Sidqi Mohammad Jamil, 1st edition, Beirut: Dar Al-Fikr Press.
- Al-Baqaie, Ibrahim ibn Omar (1404 AH). Nazm al-Dorrah fi tanasob al- ayat va sovar (Order of rubies in harmony of verses and surahs), 1st edition, Dar al-Kotob al-Islami Press.
- Al-Jorjani, Abu Bakr Abd al-Qaher (2001). Evidence of Miracles in the Science of Meanings, investigated by Abd al-Hamid Hindawi, 1st edition, Beirut: Dar al-Kotob Al-Elmiyah Press.
- Jafari, Yaqoub (1382SH). Travelling in the sciences of the Quran, 3rd edition, Tehran: Osveh Press.
- Khoramshahi, Bahaedin (1389SH). Quran Studies, 1st edition, Tehran: Elmifarhangi Press.
- Al-Khatib, Abd al-Karim ibn Mahmoud (1974). The Miracle of the Quran: The Miracle in the Studies of the Past, a revealing study of the characteristics and standards of Arabic rhetoric, 1st edition, Cairo: Dar Al-Fikr Al-Arabi Press.
- Khalaf Murad, Abd al-Rahim (1385SH). An introduction to the semantics of the Quran, 1st edition, Qom: Dar al-Elm Press.
- Al-Khouly, Amin (1961). Methods of renewal in grammar, rhetoric, interpretation and literature, Cairo: Dar Al-Maarifah Press.
- Al-Rafai, Ahmad Matlub (1980). Rhetorical methods, eloquence, rhetoric and meanings, 1st edition, Kuwait: vekalah al-Matbuat Press.
- Roohangiz, Laleh (1385SH). Examining the archeological records of ethical cities, Bayannat Quarterly, No. 51, Autumn, pp. 166-180.
- Al-Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1404 AH). Al-Dur Al-Manthur, 1st edition, Beirut: Dar Al-Fikr Press.
- Sharebi, Seyyed Qutb (1412 AH). In the Shadows of the Quran, 17th Edition, Beirut: Dar Al-Shorouq Press.
- Sharaf al-Din, Jaafar (1420 AH). The Quranic Encyclopedia, Features of the Surahs, investigated by Abd al-Aziz ibn Othman Al-Tawjizi, 1st edition, Beirut: Dar al-Taqreeb between the Islamic Denominations Press.
- Shahbazi, Asghar; Ahmadian, Hamid; Shameli, Nasrollah (1394SH). Rhetorical functions of omission and its effect in the translation of the Holy Quran, bi-quarterly researches on the linguistics of the Quran, Year 4, No.7, Spring and Summer, pp. 76-61.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- Abbas, Fazl Hasan (1997). Al-Balagha, its arts and techniques, 4th edition, Oman, Jordan: Dar Al-Furqan for publishing and distribution Press.
- Ali Abbas, Moamarzaki (2010). A stylistic study in Surat Al-Hijr, the message to complete the requirements for obtaining a master's degree in Arabic language and literature, supervised by Ibrahim Khalil, College of Graduate Studies, University of Jordan, Oman, Jordan.
- Al-Faraj, Abdollah ibn Saleh (1437AH). The eloquence of construction methods in Surat Al-Hijr, a supplementary research to the requirements for obtaining the international master's degree in rhetoric, criticism and the curriculum of Islamic literature, supervised by Saleh ibn Mohammad Al-Zahrani, Imam Mohammad ibn Saud Islamic University, Saudi Arabia.
- Al-Farahidi, Abu Abd al-Rahman Khalil ibn Ahmad (1984). Kitab al-Ayn, investigated by Mahdi Al-Makhzoumi and Ibrahim Al-Samerrai, 1st edition, Cairo: Dar and Helal Library Press.
- Maraf, Mohammadhadi (1371SH) Teaching the sciences of the Quran, translation of Al-Tamhid in the sciences of the Quran, translated by Abu Mohammad Vakili, 1st edition, Tehran: Islamic development Organization Publishing House.
- Mir, Mostanser and Abd al-Raouf, Hossein (1390SH). Studying the Quran as a literary work, translated by Abulfazl Hori, 1st edition, Tehran: Niloofar Press.
- Nasirah, Zarrouqi (2014). Emphasis on Surat Al-Hijr, a grammatical study, a memorandum for obtaining a license in Arabic language and literature, supervised by Rabihi Omar, Akli Mohand Olhaj University, Algerian Republic.
- Nazari Moghaddam, Hadi (1393SH). The Entry of "Contradiction" in Islamic Encyclopedia, Vol. 15, Islamic Encyclopedia Press 1st edition, Tehran: Islamic Encyclopedia Press.
- Yasuf, Ahmad (1388SH). Aesthetics of Quranic Words, translated by Seyyed Hossein Seyyedi, 1st edition, Tehran: Sokhon Press.